بپردازی تلویزیون به تنهایی بر قرآن به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها این چه طبقات اجتماعی در جامعه مشروطه قابل است؟ این طبقات چه و چه تأثیری در جامعه دارند؟ این چه طبقات شناخته شده؟. ضمن تعیین این طبقات اجتماعی و ارائه دسته‌بندی‌های مختلف معتقد است که قرآن به طور صریح و تفصیل به وجود طبقات اجتماعی و برخورد از مزایای مادی را مشروطه بخشند. بلکه در صدد یک روزنامه‌نگار داننامه‌سازان از طرف مادی و بیان ثبوت ارزش برای تقرب به خدا و برخورد از رحمت الهی است.

پیشینه حاضر با تکیه بر قرآن به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها

است که آیا قرآن برای طبقات اجتماعی در جامعه مشروطه قابل است؟ این طبقات چه و چه تأثیری در جامعه دارند؟ این چه طبقات شناخته شده؟. ضمن تعیین این طبقات اجتماعی و ارائه دسته‌بندی‌های مختلف معتقد است که قرآن به طور صریح و تفصیل به وجود طبقات اجتماعی و برخورد از مزایای مادی را مشروطه بخشند. بلکه در صدد یک روزنامه‌نگار داننامه‌سازان از طرف مادی و بیان ثبوت ارزش برای تقرب به خدا و برخورد از رحمت الهی است.

مقدمه

طقیه قرآنی از انسان‌ها اطلاعاتی که در سه منزلت اجتماعی می‌شود، که برای دفاع از این مناقشات، واکنش قرآنی یا عکس عمل و یا یک نشان می‌دهند و می‌توان براساس ویژگی‌های آن، این واکنش را از آنها پیش بینی کرد. مانند طبقه نجیب، شاهزادگان، تجار، روحانیان و کشاورزان.

* داش آموخته جوهر علمی قم و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
گاهی این امتیازات ویژگی‌ها و منافع مادی است و اینان از جهات اجتماعی و اقتصادی بهره‌گیری نمی‌کنند.

واحدهای دارند. در این صورت مسائل و مشکلات برای طبقه، به سرعت و در طول روابط حل می‌شود.

برای مثال خدمات بهداشتی، رفاهی و دیگر خدمات، به راحتی در اختیار شان قرار می‌دهد و امکانات تحویلطلبانه مطلوب در اختیار خود و فرزندانشان است.

و این در حالی است که عموم مردم در تنگ‌گاه مادی و معیشتی قرار دارند.

در مقابل این طبقه، طبقه دیگری وجود دارد که از امتیازی برخوردار نیستند و به زحمت زندگی می‌کنند. بار مشکلات جامعه را به دوش می‌کشند. مشابه چنگ و دفاع از نظام سیاسی را بر عهده دارند.

اینیان ممکن‌باشد برای اهداف سیاسی طبقات بالا محسوب می‌شوند و چه‌گونه در این راه، هستی خود را هم در دست بدهند. آن‌ها طبقاتی هستند که وجود دارند که بین این دو طبقه قرار گرفته‌اند.

و این مقاله درصد دستی این نگاه اجتماعی گونه نشان دهنده طبقات در قرآن را مورد بررسی قرار دهد.

از دیدگاه پی برلوک طبقات اجتماعی* عبارتند از «دسته‌های ارزش‌های نامتماسی، حال این ارزش‌ها مادی باشند یا معنی‌های باشند.».

شیوه مظهری در کتاب جامع و نمونه متفاوت است طبقات «گروه‌های مستقل» که باعث تبعیض می‌شوند.* در این طبقه اجتماعی راگاهو خسته‌پذیری می‌کنند که اعضای آن در تولید و بهره‌برداری از ترویج اجتماعی پایدار کم و بشی بکسانی دارند. نوع فعالیت‌های اقتصادی، مقدار درآمد، نوع و سطح آموزش رسمی، نوع سکونتگاه و درآمد و موقعیت طبقه اجتماعی خانواده‌ای که شخص در آن می‌شود شده است. از عوامل مهم تعیین کننده طبقه اجتماعی شمرده می‌شوند. در ادبیات سیاسی چنین گروه‌ها به‌وزنی از افراد راگاهو که از جهت مقام‌های در نظام می‌توانند تولید اجتماعی و مناسب‌سازی در اسارت اجتماعی کار و نابرابری از جهت شیوه دریافت

و میزان آن ترویج اجتماعی که در دست دارند، از یکدیگر متمایز می‌باشد. طبقات-گروه‌هایی از مردم مستند که از آنان یکی می‌تواند کار دیگری را به همراه نماید، همان مقدم آنها در شیوه معین اقتصادی و وجود

دارد، به خود اختصاص دهد.

طبقه اجتماعی ازدیگر قرآن

در این صورت، سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا قرآن طبقه‌ها به رسمیت می‌شناسد؟ و در

این صورت، به چه طریقی آنها را تقسیم و طبقه‌بندی می‌کند؟

* social class
برخی از این عوامل مربوط به به‌سازی و برخورداری از قوانین و فرهنگی را از طریق اجتماعی و سیاسی چنین ترویج و قدرت راکشیدی‌یا تاثیر داشته‌اند. به‌طور مستقل از یکدیگرند، ولی در ارتباط با هم عمل می‌کنند.

قرآن از یک سو، تقسم بندی های شرکت‌های ایامان، فض و تقوا و کفر - ایمان را مطرح می‌کند و معتقد است این عوامل راکشیدی‌یا تاثیر زیادی به‌پایه‌های اجتماعی ممکن در جامعه دارد. این عوامل در عظیمت‌های زوال و شکست افهام و ملل تأثیر به سازن داشته‌اند. براین اساس، در طول تاریخ همراه دو اردوگاه مورد شرکت و خدا بریتانیا و هاپی، قبلاً قابل و گام‌های ابزاری و نموداده، موسیقو، محمد و اصول لیک در مقابل هم قرارداده و در مرحله‌های گذشته‌اند. بر
مفهومی که در قانون به کار رفته، مثل مومن، کافر، مشرک، مختار، منافق، مجاهم، صدیق، شهید، متقی و صالح، همه ی بانگر چه گری اقتصادی است، ولی از سوی دیگر، قانون مفاهیم قفر، غنا، استثمار، مالاً، مترف، سرفاً، رهبان، اجبار را مطرح می‌سازد که نظر بروی اقتصادی و اجتماعی است. از طرفی برخورداری های متغاوت و متغیر اجتماعی و موجود طبقات متا در کنار طبقات عموی مردم، در بزرگ تاریخ بشری محصول می‌شود. زیرینهای اقتصادی این وضع ظالمانه، گاهی به این صورت است که "خدایان مختلف که آفرینش و تدیر طبقات مختلفی در دست دارند هر طبقه را با مزایا و حقوقی خاص یدید" و گاهی به این صورت که "خدای وحش گروهی از بشرها با نشان در کنار سایر طبقات، تنها بر این است که انگیزه حقوقدانی از پرداختن واقعیت اجتماعی در کنار اخلاق حرفه و حقوق انسانی و طبقاتی مساوی به شکل واقعی بالا رفته باشد. 6

در گونه‌شناسی طبقات اجتماعی از قانون، عده‌ای جامعه را به فروع گرایه، و غیرفرعون گرایی تقسیم کرده و گروه‌ها و دسته‌های فروعی را چنین بر شمرده‌اند: 1 - مسئولان مستضعف.

2 - بیمارستان جباروس: 3 - افراد فرماندههای: 4 - ستم‌بندگان خاموش: 5 - فرمان‌ان اصلاحه.

سدایی دریگ، جامعه را به افرادی که موافق و مخالف انسانی می‌شوند، تقسیم می‌کند. گروه‌های مخالف با انسا را گروه‌های دیل دانستند: 1 - جباران (قدرت‌های حاکم): 2 - ملایر(شراف).

از طرفی قانون در یک جای نشان می‌دهد که حرفه‌ای دیگر به کار رفته، مشخص کننده سطح نقشه است. در کنار یکدیگر می‌آورند: فرعون، هامان، قارون، فرعون سمل طبقه فرمانرواپیان، هامان سمل رجاء و سران و قارون سمل اشراف و ثروت اندوزان.

در جای دیگر از این سطح طبقه به اضافه طبقه دیگر که همان رجاء مذکی و رحیم‌داران، تک تک تام. می‌برد. این چهار عنوان، مبنی جهان طبقه در جهان دیده یا سه‌گانه خاکی طبقه انسانی در قانون به شمار می‌آید که عبارتند از طبقات مالاً، مترف، اجبار و رهبان.

در این مقاله، بررسی تعریف برای سطح طبقه اجتماعی از دیدگاه قانون را طبقه بنی‌می‌کنیم.

**گونه‌شناسی طبقات اجتماعی از بعد مادی**

1. مترف‌زادن (مترف) از دیدگاه قانون، مترف‌زان و مردمان اقتصادی عبارتند از مترف، قارون، اشراف و ثروت اندوزان که سپل ایجاد شده است. مترف، از ترکیب ژرفا که گرفته شده است مغناطیسی است. مترف به نعمت، اشکش و نعمت به نعمت، مترف کسی است که دارای نعمت و ثروت زیادی است و در پرداز وری از ثروت هنگام گونه که خودش
می‌خواهد رفتار می‌کند: به عبارت دیگر، متغیر به کمی می‌گویند که فرآیند تغییر و زندگی مرفه و امکانات گسترش مادی و دینی او را مغزور و غافل ساخته و به طبیعتگری وا داشته است. 8 بنابراین
متغیر بعضی مسئولان و تروریسم از خدا به خدا به فشتر و فجور.
این دسته را قانون کریم به شکل طبقه‌ای متشکل و توانا مطرح می‌کند. مذاک طبقه‌ای آنان، مال
(ترور) ولادت و فرزندان، بندی ایران به دست اوردن ثروت و عوامل ایجاد و حفاظت از ثروت و وسیله
تفاوت است.
از ویژگی‌های گروه تروریستان (متغیر) می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:
1- فخور می‌وزند: «نحو اکثر امروز و ولادت‌های مال ولادت هستم».
2- مخالف حق و عدل هستند:
ما ارسلتا درقیمه پین نظر، اما ارسلت بی کافرون: در هیچ جامعه با نظام
حکم‌گذاری دری به ترسیم می‌گردد این که قدر تروریسم اقتصادی آن جامه مخالفت خود را
ابزار داشتند و گفتند ما با انجه که شما برای این سریه شدید (با حق و عدل) مخالفیم.
3- اعتقادی به معاون و جیب پس از مزگ ندارند:
اگر کارا قبل ذکر متغیر و کانویالی می‌پرورهی به تجربیاتکمیل، آنها کیل مرفه و بر کتاب
برنگ (شکر) می‌کند و (از روی استفاده) می‌گفتند: اگر هنگام‌هی که مردم استخوان
ما خام شد باهم زندگی خواین شد؟
4- ارثکاب فشتو و فجور:
5- تقلید کورکوراي از این گذشته‌گان خود:
ما قبل از توجه انتخابی را به سوی جامعه تروریستی، مگر آنکه متغیری آن گفتند: ما
پدرانمان را پرور آهی بایقی و خودمان ویژه‌روهان آن هستین.
تأثیرات متغیرت برجامی به قرار زیر است:
متغیر باعث تبعیض تمادی و برتری در جامعه می‌شود، چرا که خود را برتر و عالی تر می‌دانند:
قال اما اوشیه اعیام علمی؛ قانون گفت: به خاطر علمی که خود دارم به این تروت
رفسیدم.
قرآن در جای دیگر از زبان اینها می‌فرماید:
قارون ها گفتند: ما دارای بیشترین مال ولادت هستیم و هرگز دیگر عذاب نخواهیم شد.
با امنا نظر در آیات فوق، می‌توان گفت که طبقه متغیر از علل اصلی انحراف جوامع هستیم، زیرا
هر که را و عصبانیت، هر گناه و فساد و هر ظلمی که در این جوامع جان می‌گیرد و گسترش می‌یابد از
ناحیه ایتن و به رهبری این قشر است. این قشر برای تربیت موقتی مالی و اجتماعی و سلطه خود بر ناس قرارداد می‌کند و برای آسانی عقیده می‌آورند. ما تشگیل فقرت خدا جویانه آنان را با اعتقادات احترافی سیاسی کنند در آن‌هایتی و خدا متمتنند و متوقفات خرابی مردم را در جهت حفظ منافع خود و تخمین افکار مردم جهت می‌دهند.

توجه آن‌که طبقه مرف تجربه شکم‌بازی و شهوتی‌ترین خواستروش و فطره‌نان آن‌ها است. همان ارزاق کر در جیه‌های گوناگون به خود اختصاص می‌دهند و با ترفند اقتصادی و ایجاد بازار سیاسی و تورم و احکام و یا بردن کاذب قیمت‌ها موضوع‌های اقتصادی خود را تربیت و فقراً را فقیرتر می‌کنند. این روش طبقه مرف، جامعه را به سوی فساد و تباهی سوق می‌دهد.

2. گروه‌های درون حکایت سیاسی (مال)

MALA به فرض راجع‌گویی را می‌گویند که بر فکر خاص اتفاق نظر دارد و منظر و دیدارشن جسمی روی می‌کند و شخصیت ظاهری‌شان مردم را به خود متوجه می‌سازد. قنارت کریم از این طبقه سی بار یاد کرده است. "مالا، در واقع همان افراد سیاسی که وضع ظاهری‌شان نظر افراد محروم را به خود جلب می‌کنند. این‌گونه جامعه مانند که در تضعیف روحیه مستضعفان نقش فعال دارد.

به طورکلی، گروه‌ها مالا افراد سیاسی که در رأس قدرت قرار دارند و بی‌پوسته هم رای و پشتیبانی یکدیگرند و به عبارت دیگر، گروه برگزیدگان سیاسی هستند که رقی و قفظ امر را در دست دارند.

ویژگی‌های مالا:

1- قنارت کریم این طبقه را افرادی سرمایه‌دار اسیر زینت‌های دنیا معرفی می‌کند: بورودگاری، بر اثر مالی و مال‌زینت، چنین می‌گویند. تو گذشته کنند.

2- افرادی خودخواه و عبرت‌تری جوش‌هستند که به آن‌ها توجه می‌دهند. خوش‌بینی، شیوه مرجعیت به سزاوی دارند. قنارت در این‌باره می‌فرماید: افراد مکرر قوم، گاهی این شیب، سوگند یاد می‌کنند که ترا (ازهر) بیرون خواهیم کرد.

3- به هنگام ترک مراکز هم با به‌بینی می‌شوند:

فصل مالا خود او داستانی از تاریخ بیرون کردن که می‌خواهد یکی از افراد این‌گونه که به ویژه برگزیدگان سیاسی دوباره کمک کند. مورد (مخصوص) یک افرادی در سینسیپا بس خودآمدازی یک جامعه از سوی دیگران می‌شود.

4- گروه‌ها و تأسیساتی که همراهی در بر این‌بار موضوع‌گیری خاصی داشته‌اند: "افراد کافیر
جواب ۱: "طاغوت" هشت بار در قرآن کریم بیان شده است و یکی از آن خداانیان دروغگو و مردم متجاوز و طاغی است. این افراد هستند که در مقابل دعوت انبیا مخلاف و ورزیدن و از هر نووی که برای پیامبران فردا گذار نکرده‌اند. راغب گوید: طاغوت عبارت است از هر متجاوز و هر مععودی جز خداانیان دروغگو و مردم متجاوز و طاغی است. این افراد هستند که در مقابل دعوت انبیا مخالفت و ورزیدن و از هر نووی که برای پیامبران فردا گذار نکرده‌اند.
مطالعه ۲۷- پس از مروری برکناری طاق‌گرفتن کسانی هستند که در رأس نظام قرار دارند و از امکانات اجتماعی و
به‌جای و گزارش‌های موردی ندارند. اینها خود را عضوی به دیگران قلمداد می‌کنند و قانون‌گذار آنها می‌دانند و
مبدا و مرجعی نمی‌دانند که از آنها در مدت زمانی حاکم و فراموش آنها هستند.
و یک‌گاهی هنوز فراموش‌ها طاق‌گرفتن از این قرار است:
۱- اینها با پیام‌ها به زناد و جدای می‌پردازند:
آیا نیازی به آنکس که خداهم اوکومت داده بودن‌ها اهمیت دارد که بروندگارش به نیاز
برخاست.۲۸
۲- دعوی روابط می‌کنند: فرآیند گفت: ای اشاره، می‌باید گویی، به استثعاف کسانان می‌آمد.
نیازم.۲۹
۳- در دیگر خصوصیات این گروه، برتی جویی، تفریغ جویی، به استثعاف کسانان می‌آمد.
ادمکشی، استعمارزنان و فساددرزمی است:
همان فرآیند در زمین برتری جست و احال آن را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد. گروه‌های از
آنها را ضعیف می‌کرد، پسیر آنها را سری به سری و زنان آنها را زنده داشت. از
مفسدان بود.۳۰
تأمیرات فراموش‌ها طاق‌گرفتن بر جامعه به شرح زیر است:
اول‌اً، زوروگو و مستبد هستند:
ای یکی از از این چنین برای شش‌مادی جزندی نمی‌شناسم، پس ای همان، برای این که
کل بی‌دور و قصری از اجرای برای بسیار معیوب‌می‌رسیده‌شده‌اند.۳۱
ثانیاً، بر مردم ظالم و مالی داشتند: چپ، اینها را سرمی بری و زنان آنها را زنده نگه
می‌دارند.۳۲
ثالثاً، فساد و طغیان در جامعه می‌کرد: این فراخ را طغیان می‌کرد.۳۳
۴- گروه مستضعف
یکی از این هنوز معمولاً همراه با واقع شده‌شده فرد به چشم می‌خورد. کلیه «استثعاف»
است. «استثعاف» از ماده «ضعف» و دارای معناه مختلف است. از جمله:
۱- به ضعف گشادن شدن محرور شدن یامود، تحمل محرومیت قرارگرفتن;
۲- ضعیف پدشانه شدن به حساب نیامدن;
۳- ضعیف یافتن (ضعف بدنی، مالی و...).
این کلیه با توجه به معنای اول و دوم، مفهوم مستضعف یا مستقر اپتی داده می‌کند، زیبا تا
مستکبر (ضدمستعفی) نباشند. استعفای صورت نمی‌پذیرد. در معنای سوم که از استعفای ضعف بدنی و ناراضی فکری و عقلی شخص مستعفی اراده شده، لازم نیست تا یاد مستکبری به عنوان عامل استعفای به مبانی آید. استعفای از ماهه ضعف از باب استعفای است که بیشتر در دو معنای اول و دوم به کار می‌رود، زیرا باب استعفای در این جامعه معناهای «خوشتاربودن» و «طلبدگردن» است.

طبرسی در مجمع الیان، مبلغ ۷۷ سوم نشان می‌نویسد: «الاستعفای طلب یا استعفای الشیء است».

استعفا پیده‌ای است که حاصل تضعیف به ضعف کشساند و یا تضعیف بدن‌اشتی شدن مستعفیان از سوی مستکبران است و کمتر مستعفیان در جوامع بشری به چشم می‌خورده در استعفا از باید مستکبرانی بیامنهار و ظاهراً شایسته، قادرند و استمعه رزانتوژان کفکش، سرمایه داران و دنیاپرستان را لوصفت در میان نشاند.

اگر بخواهیم دسته بندی دقیقی از مستعفیان ارائه دهیم، می‌توان آن را با دو دسته تقسیم کرد:

۱- کروهی از مستعفیان بودند که در برای انتها ابستاده و به مجازه با تنهامی برداشته‌اند. اینان به جهت ضعف و ناتوانی خود در جهه استکبار قرار داشته‌اند و به دلایل جون ضعف فکری قادر به شناخت جهه حق از باطل بودند و همچنین به علت ترس و وحشت که از مستکبران داشتن از ایمان آوردند به انتیا خودداری می‌کردند. شهید صدر معتقد است اینها اعاروان ظلمه‌هستند و در واقع حامیان و هواداران فرعون محسوب می‌شوند و پشتیبانی به و استمرار فرعون را در باره‌ها و جارچوب‌های آن را تشکیل می‌دهند. ۴۴

۲- یکسانی که به دعوت انتیافایس مثبت دادند و هر چه بر دعوت انتیا افزوده می‌شد، مستعفیان بیشتری به انتها روی می‌آوردند و انتظار پشمیانی از گذشته خویش به مبارزه با مستکبران -که موجبات سازمان آنها را در قلب فرمان آورد- می‌برداشتند.

از بیشتر این گروه از مستعفیان می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱- اینها مورد ظلم و ستم طاغوت بودند.
۲- قدرت تصمیم‌گیری نداشتند؛ به عبارت دیگر، مستعفیان دست خالی است و نه چیزی به تعیین اوصت و نه علیه این نشن است و نه به تعیین اوصت و نه به تعیین انتخابات

۳- مستعفیان به مستکبران می‌گویند: اگر شما (پادشاه) می‌خواهید، ما باید به شما گوییم. ۴۵

۴- دسته دوم از مستعفیان سرانجام هر کسی زمین خواهد شد و برپایی آنهاست: "نبرد ان تنمن على الدين ان استعفا في الأرض و نجعلهم انتها به و نجعلهم البارین". ۴۶

همچنین باعث از بین رفتن باطل و ظلم و بر قراری عدل‌الله در جامعه خواهند شد: "حق باطل را به هم آساییم و حق باطل را زیر و زیر می‌کنیم"، "کران تا کران سرزمین ببرگوت موعود‌رایه ورانت به مردم که استعفا می‌شند دادیم". ۳۸
گونه‌شناسی طبقات اجتماعی از زبان و فرهنگ

1. اخبار و رهبان

اگرچه گروه‌هایی مثل کوه‌های همچون «عالمان فاسد» و «گروه قراربان از صحنه» خوانده شدند، سپس این گروه‌ها را می‌توان «اخبار» و «رهبان» نام برده.

«جهت» به معنای عالم است. کلمه «اخبار» در سوره مائده (آیات ۴۳ و ۴۴) در مورد علمای پیوسته به کار رفت و گوتو در مورد انحراف و نصرانی می‌شود. تا مسیر گران و مجمع الیمان احیاء را مطلق عالم ذکر کردند.

اما «رهبان» جمع راهب است و آن کسی است که از خدا می‌ترسد، ولی در عرف به راهبان و صومعه نشینان مسیحی اطلاق می‌شود. علامه در این متن می‌فرماید: رهبان کسی است که در اثر خوف خدا از مردم برده و مشغول عبادت خدا می‌شود. راغب می‌گوید: رهبان آن کسی است که در تعبد افراد می‌کند. بنابراین، افراد می‌باشند که رهبانیت اسلام جهاد و نظیر است. رهبان گروه‌های مقدس هم‌هستند و از صحته‌ها برخی می‌گریزند و متن جامعه را ترک می‌گویند.

تا به رهبانیت پیوستند. این رهبانیت در طول تاریخ در تمام جوامع ستم آلوه وجود داشته و در دو چهاره پدیدار شده است:

نخست، رهبانیت به اصطلاح کوشش می‌خواهد مصون نه تنها به دلیل غیب زد تألواده لجن وفسی جامعه نشور.

این رهبانیت و مقدس نمایی قابل فعالیت را قرار دادن گونه معرفی می‌کند:

و رهبانیتی که در خود آن رابطه می‌گزارند و آن را مقرر نداشته همچنین.

دوهم، رهبانیت انسانی که در قالب کسانی چاپ گرایند که خود را تقاضی می‌کند، یا به لباس زده و پارسایی را پوشند. ولی در اعمال چنان خوشی نه زدهند و هن مقدس و تنهایی خاصی را تجربه نمی‌کنند، ولی در این مراحل را از فروون و ستم او غافل می‌ساختند. قرار این دسته را جنین معرفی می‌کند:

به بقین که انسانی از دین مدیران و راهبان اموال مردم را به تاراوی می‌خورند و مردم را از راه خدا بی‌پیش دارند.

از ویژگی‌های اخبار و رهبان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱ - در مردم را به خلاف فراموش‌های الهی دعوت می‌کردند: «اخبار و رهبان خود رابه غیر از خدا را»

قرار دادند.

۲ - برای حفظ مقام و موقعیت خود از دو شیوه استفاده می‌کردند: (۱) حرف حقایق ۲۲: (۲) حقایق.
بس وای برکاتی که کتاب آسمانی را به دست خود می‌توانست، می‌گوید این کتاب
(تدریف شده) از جانب خداوند.

۳۲ همچنین قرآن در مورد کسانی حقایقی می‌فرماید: «گروهی از آنان ها حق رادرهایی که می‌شناسند
کسانی می‌کنند.»

۱. ربانیون و نذیران

واژه «ربانیون» بسیار در قرآن آمده است (مانند، ایه ۴۴ و ۶۳ و آل عمران، آیه ۷۹) مفرد این واژه،
ربانی به معنای تربیت گنده است: »

وئن گونه ربانی بیانات علمی، تعلیمی، ادبیاتی، علمی و هنری ندارند، و لیکن مهربانی، الهی باشد، آن
گونه که کتاب خدا را می‌آموخته و در سر می‌خواند.

علائم در المیان معفقت است: «ربانیون» علمی بی‌بطی ایستاده که تربیت مرم را به دست دارند. این‌ها
کسانی هستند که در جنگ با کافران از خدا برای می‌جوید (و پس از قرآن، قرآن کافرین) و نبرد
می‌کنند. چن یا انسان که به همراه آن‌ها دانشمندان بوده، که به کارزار و نبرد برداختند. (کاکین من
نین قاتلی مکه، ریون کیه.)

۴۵ «نذیر» مفرد «نذیران» به معنای اندوزانده است که در قرآن مجید فقط درباره پایان امده.

است، مانند: «فسلعون کف نذیران»، به زودی خواهد داشته‌تشیده‌های من چگونه است.» از آن جا
که در قرآن احتیاطات یک جامعه، گروه‌های اسلامی از اجتماع و ارزش‌های اجتماعی متفاوت وجود دارد.
این گروه‌ها اولویت‌های انسان‌های نذیران بر دارد؛ ثانیاً دارای ارزش‌های اجتماعی متفاوتی
هستند که به‌ین‌دگروه‌ها (نذیر و انسان) در برگیری حادثه می‌شود. پس برکاتی است که در شرایط
نابینجای اجتماعی ظهور کرد، و در مراکز اجتماعی به عمل می‌افتند، آن‌گاه می‌گوییم کردند نان، از
انحراف‌هایی کهیکی و عملی هم برخوردار این می‌باد.

از ویژگی‌های نذیران و ربانیون می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱ - اینان نگهبان کتاب خدا اند. در واقع قانون را حفظ می‌کنند و به مردم پایدار دهندومحتوا

۳۷ قرآن را به مردم هشدار می‌دهد: «ما استحفاظ‌الله.»

۲ - برای بشارت و ادانا برانگیخته شده. در واقع راهنمای مردم هستند.

۸۸ ۸۸ ادبی و رهبان دینی اولیا، حجت رابیر مردم تمام می‌کنند.

ما اهلکنیا من قریه، ایها مندرو! ۴۹ هیچ جامعه‌ی ای به نظامی، نبود تکریم مگر نذیرانی

ظهور کردند.

ثانیاً، تأثیر این‌ها در جامعه یک تأثیر مثبت است.
نتیجه این که تأثیر ذهنی و روانی در جامعه آن جای معلوم و آشکار می‌شود که ارزش‌ها و
بینش‌های گروه‌ها و طبقات اجتماعی را با ارزش‌های ذهنی نژادی و تأثیر آنها را در جامعه مشاهده
کنیم که تأثیر روانی و نژادی، تأثیر مثبت و خوبی است.
خلاصه این که زمانی که اسلام ظهور کرد، در آن واحده به دو دگرگونی و دو حرکت دست زد: ندای
توجه‌کننده از مسجد و از سویی، در صدد رفع تعصب‌ها و تناقض‌های اجتماعی در پرتو جهاد و مبارزه
برآمد. در واقع اسلام در مسجد، دعوت و برنامه تعلیم و تربیت داشت و انسان‌ها را در جهت خدا برستی
فرمی‌کرد و در دستی دیگر، تیمی برای قطع روابط نامتعادل انسانی و درهم ریختن نظام اجتماعی
موجود، تأثیر مثبتی در جامعه برقرار کرده و تشکیل امت واحده بدهد؛ از این روش‌ها، که به انحای
مختلف در مقابل حق وحیت‌های منزیلی کردن، مورد مدت و عمرش قرار گرفتند.
پی نوشته‌ها
1. رک: پی برای جلوگیری از آدیمی، ترجیح ابره علی آبادی.
2. مفتونی ملت‌های جامه و تاریخ مجموعه آثار (پم: انتشارات صدرای ۱۳۷۶) ص؟
3. هرگاه علوم سیاسی ایران: سازمان مدارک غربی (۱۳۷۶) ص؟
4. و.برهمت ریک.گریز معا.یاق.ام.م(۳۳) آیه ۸۳۷.
5. هرگاه ملت‌های پیشین.
6. رک: سیدمحمدعلی تهران، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجیح حسن ملک‌هیری (تهران: رجاء، ۱۳۶۹).
7. رک: عبدالله نصری، مبانی رسالت اسلام در قرآن (تهران: سروش، ۱۳۷۶).
8. رک: سیدعلی کیی فریشی، قارس قرآن (قلم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲).
9. سیاه (۳۴) آیه ۸۱.
1۰. عمان، آیه ۲۷.
1۱. اقامت (۵۴) آیه ۴۵-۴۶-۴۷.
1۲. زخرف (۴۵) آیه ۲۳.
1۳. قصص (۳) آیه ۸۸.
1۴. سیاه (۴۴) آیه ۳۵.
1۵. محمد جعفری قمی، پیشین، ص ۴۴۰.
1۶. پویان (۱۰) آیه ۸۸.
1۷. اعفا (۷) آیه ۸۸.
1۸. شعراء (۶) آیه ۲۴.
1۹. هود (۱۱) آیه ۳۷.
2۰. قصص (۲۸) آیه ۳۰.
2۱. مؤمنون (۳۰) آیه ۳۳.
2۲. هود (۲۳) آیه ۲۸.
2۳. بدر (۱۰) آیه ۰۸.
2۴. عفراء (۷) آیه ۸۵.
2۵. میلاد (۰) آیه ۷۸.
2۶. عفراء (۷) آیه ۸۶.
2۷. سید علی اکبر قریشی پیشین، ج، ص ۴۴۰-۲۷۵.
2۸. بدر (۱) آیه ۲۵۸.